

## نقش حوزه انقلابی در بازسازی هویت ملی

علی ملکی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

### چکیده

بازسازی هویت ملی در همه کشورها برای نیل به توسعه ضروری و لازم است. در تاریخ ایران سه منبع هویت‌ساز شامل سنتی - ایرانی، مدرن و مذهبی بوده است. حال این پرسش‌ها مطرح است که جمهوری اسلامی ایران چالش‌های تعدد منابع هویت را در ایجاد هویت ملی جدید چگونه حل کرده است؟ نقش حوزه‌های علمیه در شکل‌دهی هویت ملی پس از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟ فقدان اجماع نظر در این زمینه باعث شکل‌گیری بحران هویت و در نتیجه، ظهور موانعی در مسیر توسعه شده است. در پژوهش حاضر، فرض بر این است که هویت ملی، سیال و تغییرپذیر است و گفت‌وگو در فضای آزاد در تأسیس هویت ملی و پذیرفتن روش‌های دموکراتیک در جذب عناصر مشترک یا مناسب با هویت‌های دیگر، این مشکل را حل می‌کند. حوزه‌های علمیه به عنوان حاملان انقلاب و مهم‌ترین عامل هویت‌بخش انقلابی، می‌توانند در تکوین هویت ملی و اسلامی نقش عمده را ایفا کنند و هویت ملی را بر اساس الگوی اسلامی - ایرانی، در چنین فضایی به اقتناع عمومی درآورند، اما در عمل، عدم ایفای چنین نقشی، باعث به‌وجود آمدن چالش‌های عملی در جامعه شده است. در انجام‌دادن این پژوهش روش توصیفی - تحلیلی به کار گرفته شده است.

**کلیدواژه‌گان:** انقلاب اسلامی، حوزه انقلابی، هویت، هویت ملی.

سیهر سیاست

سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

\* استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه تفرش، تفرش، ایران

رایانامه: ali\_malaki70@yahoo.com

این مقاله در قالب همایش علمی «حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) در اسفندماه ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

## مقدمه

بازسازی هویت ملی ایرانی اسلامی پس از انقلاب اسلامی، محتاج بازشناسی انتقادی شرایط گذشته و حال جامعه ایران از سوی فرهیختگان و نخبگان جامعه است که نیازمند شناخت دقیق و همه‌جانبه توان و ظرفیت‌های فرهنگ اسلامی و ملی، و بهره‌گیری از تجربه‌های خرد بشری است. هویت ملی برای یک ملت، به منزله روح برای بدن است، زیرا هستی و موجودیت آنان را تشکیل می‌دهد.

بررسی این موضوع مهم، به عنوان یک موضوع نظری به زمان طولانی نیاز دارد. روحانیت و حوزه‌های علمیه به عنوان حاملان انقلاب، از عوامل هویت‌ساز در تکوین هویت ملی در فرایند نوسازی‌اند که وظیفه رفع معضلات نظری و عملی جمهوری اسلامی را برای رسیدن به اهداف انقلاب اسلامی و اهداف ملی بر عهده دارند. اما روحانیت انقلابی تا چه حد توانسته است جامعه ایرانی را به سوی هویت ملی مشخص، در فضای متکثر فرهنگی و هویتی، و به سوی اهداف انقلاب اسلامی رهنمون کند؟

با پیروزی انقلاب اسلامی نظام سیاسی جدیدی با تأکید بر اسلام، جمهوریت، و ایرانی‌ت تأسیس شد. ترکیب این سه عنوان از حیث نظری و عملی به‌ظاهر آسان، ولی در واقع، مشکل است. نظامی که هویت‌های دینی و مدرن را در مکانی به نام ایران پیگیری می‌کند، و بر اساس قانون اساسی، هم از عقلانیت دینی منبعث از شریعت و هم از عقلانیت مدرن منبعث از تجربه انسانی بهره می‌گیرد. مهم‌ترین مشکل هویت ملی، بعد نظری و اندیشه‌ای آن است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های مختلف سنتی و مدرن، ملی و مذهبی، چپ و راست و گروه‌های تلفیقی از انواع گرایش‌ها، در عرصه سیاسی حضور داشتند که هر یک، تلقی خاصی از هویت ملی داشتند. به‌تدریج نیروهای مذهبی به رهبری حوزه‌های علمیه، قدرت سیاسی را به‌دست گرفتند، و سعی کردند جامعه ایرانی را به سوی هویت اسلامی رهنمون کنند، اما در برابر آن، حاملان هویت‌های دیگر هم به صورت جدی حضور داشتند. پرسش آن است که چگونه هویت ملی در انقلاب اسلامی باید بازسازی شود؟ و حوزه انقلابی در جمهوری اسلامی ایران چه سنتی از هویت ملی (با توجه به منابع متعدد هویت در ایران) می‌تواند ایجاد کند تا در مسیر توسعه با بحران هویت مواجه نشود؟ آیا جمهوری



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

اسلامی ایران باید ترکیبی از هویت ملی ایرانی و هویت ملی مدرن را بپذیرد یا صرفاً به هویت دینی و اسلامی بیندیشد؟ روحانیت به عنوان حاملان انقلاب، چگونه باید با تعدد منابع هویتی در ایران رفتار کنند و حوزه‌های علمیه در این زمینه چه نقشی می‌توانند ایفا کنند؟ سخن از فقدان هویت نیست، بلکه در تعدد منابع هویت‌زا و گرایش افراد به سوی منابع متکثر است. چگونه می‌توان سرچشمه‌های مختلف و به‌ظاهر متعارض در هویت را باهم سازگار کرد؟ منشأ این مبناهای مختلف چیست، تعدد و تکثر منابع هویت از کجا ناشی شده است و چگونه می‌توان آن را رفع کرد؟ و راه حل برون رفت از بحران تعدد منابع هویت و تأسیس هویت ملی مشترک در رسیدن به توسعه کدام است؟ فرضیه نگارنده در این پژوهش آن است که بحران هویت، ناشی از تعدد و تنوع منابع هویت و حل‌نشدن آن از حیث نظری است که با پیامدهای تجدد این بحران فزاینده شده است. حوزه‌های علمیه تاکنون نتوانسته‌اند از حیث نظری، هویت ملی مشترک با اقتناع عمومی ایجاد کنند، یا نتوانسته‌اند سنتز اجتماعی از هویت‌های گوناگون اسلامی، مدرن و ملی به شکل تئوریک به‌وجود آورند. عدم ایفای نقش تئوریک روحانیت انقلابی، به عنوان حاملان انقلاب، باعث بروز چالش‌های هویتی از حیث عملی شده است که در این مقاله به مواردی از چالش‌های عملی هم اشاره خواهد شد. با حذف کانون‌های هویتی، نمی‌توان تعدد منابع هویتی را حل کرد، بلکه راه حل آن، گفت‌وگوی اقناعی در فضای آزاد است تا با عقلانیت جمعی و تفاهم عمومی، هویت ایرانی در فضای جدید ترسیم شود و حوزه‌های علمیه باید نقش خود را در چنین فضایی به روش‌های اقناعی ایفا کنند. درباره هویت و بحران هویت به صورت کلی، یا به صورت خاص، یعنی هویت ایرانی، مقالات و کتاب‌هایی نوشته شده است، ولی درباره «نقش حوزه انقلابی در بازسازی هویت ملی»، تاکنون کتاب یا مقاله‌ای به رشته تحریر درنیامده است. بنابراین، این مقاله به این موضوع مهم و جدید پرداخته است. در این پژوهش روش توصیفی - تحلیلی به کار گرفته شده است.

طرح این مسئله از مباحث آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی ایران است؛ زیرا یکی از آسیب‌های انقلاب، فقدان مباحث نظری در مبانی فکری و نپرداختن به مباحث نظری آن است و ترسیم هویت ملی مشخص، می‌تواند از دستاوردهای انقلاب اسلامی باشد و راه را برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت هموار کند. قبل از

نقش حوزه انقلابی  
در بازسازی هویت ملی  
(۱۳۷ تا ۱۶۱)

پرداختن به اصل بحث، ابتدا برخی مفاهیم مرتبط را تعریف کرده و سپس زمینه تاریخی آن را در ایران پیگیری می‌کنیم.

## حوزه انقلابی

حوزه علمیه نهادی است که به آموزش و پرورش عالمان دینی (روحانیت) برای صیانت از دین، ترویج و تبلیغ دین و اجرای مناسک دینی می‌پردازد (فراستی، ۱۳۹۰، صص ۸۸-۹۰)، در برابر روشنفکران که به خرد خردبنیاد تأکید می‌کنند، روحانیون، به نصوص دینی مانند قرآن و سنت التزام دارند و به آن استناد می‌کنند.

پس از انقلاب اسلامی روحانیت در ساختار قدرت وارد شد و به تصدی‌گری سیاسی پرداخت و این تصدی‌گری براساس دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب اسلامی ایران، بود که از سوی آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) هم تأیید شد. از این نظر، روحانیت، وظیفه هدایت و رهبری انقلاب اسلامی در حوزه‌های مختلف و از جمله ترسیم هویت ملی را دارد. وضعیت مطلوب آن است که حوزه انقلابی بتواند هویت اسلامی و ایرانی را در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای رسیدن به توسعه و عبور از بحران‌های پیش رو، براساس انتظارات رهبران انقلاب ترسیم کند، اما وضعیت موجود آن است که بحران هویت یا دست‌کم موارد مسئله‌خیز درباره هویت در ایران وجود دارد. حاملان هویت‌های رقیب هم در فضای آزاد ارتباطی توانسته‌اند هویت اسلامی را به چالش بکشند.

اصطلاح حوزه انقلابی از سوی رهبر انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای (دام‌ظله) عنوان شده است. معنا و مراد از حوزه انقلابی چیست؟ در اصطلاح علوم سیاسی، انقلابی به کسی می‌گویند که نسبت به وضع موجود، اعتراض دارد و خواهان وضع مطلوب است؛ یا درصدد اصلاح وضع موجود است. اگر انقلابی‌بودن حوزه را مطابق با اصطلاح معهود، تعریف کنیم، یعنی حوزه‌ای که نقدی به وضع موجود جامعه یا وضع موجود حوزه‌های علمیه دارد و خواهان وضع بهتر در آینده است و برای بهینه‌سازی کشور یا حوزه، راهکارهایی مطرح می‌کند. انقلابی‌بودن به این معنا، با استقلال حوزه‌های علمیه از حکومت‌ها، در طول تاریخ مناسبت دارد. اما اگر انقلابی‌بودن را این‌گونه معنا کنیم که به یک جناح سیاسی خاص وابستگی دارد و در حوزه هم به دنبال اهداف جناحی و ایدئولوژیک است، این معنا، قابل دفاع عقلانی نیست. اما مراد مقام معظم رهبری از حوزه انقلابی، آن است که روحانیون



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

از آرمان‌های اسلامی و عقلانی انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) دفاع کنند و معضلات علمی و عملی نظام اسلامی را رفع کنند. این معنا در بیانات ایشان مشهود است.

«حوزه‌ها باید همانند یک مجموعه تولیدی منظم و اصولی کار کنند و به سؤالات مختلف در زمینه‌های قضایی، سیاسی، وظایف کارگزاران حکومت، روابط بین‌المللی، مسائل اقتصادی و پولی کشور و صدها مسئله دیگر که نظام با آن مواجه است، از نظر کارشناسی اسلام پاسخ دهند» (سخنرانی در جمع مجمع نمایندگان طلاب و فضلا در سال ۱۳۶۸).

## هویت

هویت<sup>۱</sup> از کلمه عربی «هو» به معنای «او» گرفته شده است و به معنای حقیقت شیء یا شخص مشتمل بر صفات جوهری او است، شخصیت، ذات، هستی و وجود چیزی یا کسی را هویت می‌گویند (معین، ۱۳۷۸، ص ۵۲۲۸). همچنین، هویت یعنی کیستی، مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیاتی که یک فرد را از دیگران متمایز می‌کند (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۲۶).

در اصطلاح، هویت مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنای یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند و آن‌ها را در یک ظرف زمانی و مکانی معین به‌طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه‌ها و افراد متعلق به آن‌ها متمایز کند (الطایی، ۱۳۷۸، ص ۱۳).

هویت پدیده‌ای سیال در یک فرایند مستمر تاریخی است که تحت تأثیر شرایط گوناگون، تغییر می‌یابد. هویت ملی پدیده‌ای مدرن و جدید، و ناشی از شکل‌گیری مفهومی به نام دولت-ملت است و عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات مشترک اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی مردم یک محدوده مشخص سرزمینی است که در فرایندی تاریخی، تعلق و احساس جمعی پایداری را به‌وجود می‌آورد و آنان را از از جوامع دیگر متمایز می‌کند.

نقش حوزه انقلابی  
در بازسازی هویت ملی  
(۱۳۷ تا ۱۶۱)

1. Identity

این پدیده اگرچه در تاریخ ریشه دارد، شکل مدرن آن به تحولات دوران تجدد غربی پس از فروپاشی هویت دینی مسیحی و تأسیس دولت‌های ملی بعد قرارداد وستفالیاً<sup>۱</sup> برمی‌گردد که هویت ملی در ارتباط با نیازهای سیاسی، اجتماعی در درون واحدهای سیاسی جدید به وجود آمد، و سپس در کشورهای غیراروپایی هم بازتاب یافت.

در علوم سیاسی، بیشتر به ابعاد سیاسی آن مانند ساختار سیاسی مشترک، ملیت و حقوق شهروندی تأکید می‌شود، اما هویت ملی در نگاهی جامع‌تر، ابعاد دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تاریخی، سرزمینی و زبانی دارد.

### بحران هویت

بحران هویت<sup>۲</sup> به این ضرورت برمی‌گردد که باید بین مردم یک کشور، احساس عمیق هویت ملی تحریک شود و در هر فرد، احساسی پایدار از تعلق به یک جماعت محاط در یک سرزمین محدود را به وجود آورد (بدیع<sup>۳</sup>، ۱۳۷۶، ص ۶۲).

بحث بحران‌ها و بحران هویت ابتدا از سوی اندیشمندان کلاسیک توسعه، از جمله بایندر<sup>۴</sup> و پای<sup>۵</sup> مطرح شد؛ یعنی کشورها در مسیر توسعه از شش بحران، هویت، مشروعیت، مشارکت، رسوخ‌پذیری، توزیع و ادغام اجتماعی عبور می‌کنند. از نظر بایندر، بحران‌ها، راه‌حل‌هایی دارند که یکی از آن‌ها نهادسازی<sup>۶</sup> است (سیف‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱).

بحث از هویت در علم سیاست و در ذیل توسعه سیاسی، بسیار مهم است. یعنی چگونه می‌توان از «مردم» یک «ملت» ساخت و بر اساس آن، «دولت ملی» تأسیس کرد. کشورهایی که برای پدیدآوردن یک هویت ملی واحد موفق باشند و هویتی مستحکم به وجود آورند، توفیق بیشتری برای گذر از بحران‌های دیگر توسعه مانند مشروعیت و مشارکت خواهند داشت. در این زمینه، بحث «تئوری بحران» در مباحث نوسازی و توسعه شکل گرفته است (سیف‌زاده، ۱۳۷۵، صص ۱۹۱-۱۷۱).

1. Treaty of Westphalia
2. Identity crisis
3. Badie
4. Binder
5. Pye
6. Institutionalization



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

به اعتقاد نظریه‌پردازان توسعه، هر نظام سیاسی در طی تاریخ خود به گونه‌ای با این بحران‌ها روبه‌رو می‌شود. وجه تمایز کشورهای توسعه‌یافته از کشورهای در حال توسعه آن است که کشورهای توسعه‌یافته در گذشته به‌طور موفق، بحران‌های مورد نظر را پشت سر گذاشته‌اند.

از نظر لوسین پای، بحران هویت، با فرهنگ نخبگان و توده مردم به صورت احساس ملی درباره سرزمین خویش ارتباط می‌یابد، که کم‌کم تعارض میان وفاداری‌های قومی و تعهدات ملی را تشدید می‌کند، مشکلاتی را برای وحدت و همبستگی پدید می‌آورد. در بسیاری از موارد این بحران از فرد فرد شدن جمعیت‌ها سرچشمه می‌گیرد و در نتیجه آن، گروه‌های مختلف اجتماعی از هم پاشیده و به نحوی باعث از خود بیگانگی افراد می‌شوند. به تدریج بر اثر نوعی خودآگاهی، انسان به وجود خویش، و افراد به ارزش‌های خود پی می‌برند و می‌فهمند در چه مرحله از سرنوشت تاریخی و اجتماعی خویش قرار دارند، و جامعه چه مسئولیت‌هایی برای آن‌ها تعیین کرده است؟

عبور موفقیت‌آمیز از بحران هویت، فرد را برای مشارکت بیشتر در امور اجتماعی، اداری، سیاسی و اقتصادی آماده می‌کند که در نهایت، می‌تواند به مردمی کردن نظام سیاسی و توسعه منجر شود (قوام، ۱۳۷۱، صص ۱۱ و ۱۳۱).

در جامعه‌ای که منابع بیشتر برای برپاداشتن نظامی از ارزش‌ها، باورها، نمادها، نقش‌ها و احساس عام‌گرایانه مشترک موجود باشد، تأسیس «ملت» چندان دشوار نخواهد بود، اما در نبود این منابع یا وجود منابع متعارض، فرایند ملت‌سازی با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود و غلبه بر عناصر و نیروهای گریز از مرکز و حل بحران هویت تا حدود زیادی در گرو مهارت و قابلیت نخبگان سیاسی و روحانیت در تعریف ارزش‌های ملی جدید و مشروعیت‌بخشیدن به آن‌ها خواهد بود. هر اندازه وجوه مشترک یک جامعه از لحاظ حضور عواملی مانند زبان، مذهب، تاریخ، آداب و رسوم، نژاد، سرزمین، ادبیات و غیره بیشتر باشد، حل بحران هویت آسان‌تر خواهد بود.

این بحران از جنبه‌های دیگر هم مورد توجه قرار گرفته است. جوامع سنتی در حال گذار دارای ارزش‌های مشترک و نهادهای سنتی در حال از هم پاشیدن است

نقش حوزه انقلابی  
در بازسازی هویت ملی  
(۱۳۷ تا ۱۶۱)

و ارزش‌های جدید نیز هنوز مستقر نشده‌اند. نویسندگانی مانند هانا آرنست<sup>۱</sup> با بهره‌گیری از دیدگاه‌های دورکهایم<sup>۲</sup> به این نتیجه رسیده‌اند که جنبش‌های توده‌ای قرن بیستم و دولت‌های توتالیترا از درون همین گسیختگی ارزشی ظهور یافته‌اند. در واقع «حاشیه‌نشینی»، «بحران هویت» و «آنومی» وضعیت انسان مدرن است و انسان در فرایند مدرنیزاسیون در حال گذار از یک مرحله به مرحله دیگر است، و از درون این گسیختگی ویژگی سیاست و حکومت و جنبش‌های توده‌ای قرن بیستمی شکل می‌گیرد.

در جامعه سنتی، مشارکت سیاسی کم است، ولی درون جامعه همبستگی‌های سنتی وجود دارد و مردم در درون نهادهای قومی، قبیله‌ای و مذهبی احساس امنیت می‌کنند و فرد درون شبکه‌ای از ضوابط اجتماعی زندگی می‌کند (آرنست<sup>۳</sup>، ۱۳۶۳، ص ۵۳). هنگامی که جامعه از حالت سنتی خود خارج شده و به سوی مدرن‌شدن حرکت می‌کند، همه بی‌قراری‌های عصر مدرن ظهور می‌کند و بحران هویت یا حالت آنومی پدیدار می‌شود. در جوامع مدرن، وضعیت آنومیک از بین می‌رود و همبستگی‌های جدید از طریق گروه‌ها و نهادهای جدید به وجود می‌آید و افراد درون شبکه پیچیده‌ای از روابط اجتماعی حمایت می‌شوند، اما کشورهای در حال توسعه به دلیل تراکم انواع بحران، نرسیدن به اجاع مشترک و ناتوانی در تأسیس نهادهای مشارکتی جدید با بحران مواجه می‌شوند. البته در ایران حوزه‌های علمیه و مرجعیت به عنوان نهادهایی تاریخی و منسجم می‌تواند با توجه به نفوذ مردمی در بین اقدار جامعه نقش هویت‌ساز خود را ایفا کنند. در ادامه، کانون‌های متعدد هویتی در ایران برای تنقیح بهتر تحقیق دنبال می‌شود.

### منابع هویت در ایران

در تاریخ ایران حداقل سه منبع مهم هویت‌زا بوده است (داوری اردکانی، ۱۳۷۹، ص ۵۵):

- منبع ملی (سرزمینی ایرانی) مرتبط با ارزش‌های ایران پیش از اسلام؛

1. Hannah Arendt
2. Durkheim
3. Arendt



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶



- منبع اسلامی (بعد از اسلام) متکی بر ارزش‌های دینی و مذهبی؛
- منبع مدرن و متجدد (از انقلاب مشروطه به بعد) بر اساس آموزه‌های مدرنیته.

## ۱. منبع ملی ایرانی

این منبع هویت از اندیشه‌های ایران باستان و حکومت پادشاهی موروثی شکل گرفته است. به نظر برخی اندیشمندان مفهوم هویت ایرانی در معنای واقعی آن، فقط از سده سوم میلادی به وسیله پادشاهان ساسانی وارد تاریخ ایران شد (اشرف، ۱۳۷۲، ص ۲۶). در این مقطع پادشاهان ساسانی به یاری موبدان زرتشتی با هدف یکپارچگی سیاسی از مواد و مصالح مناسب یعنی اقوام همخون ایرانی، که فرهنگ و دین و زبان مشترک داشتند، و بیش از هزار سال در سرزمین ایران زندگی می‌کردند، دولتی واحد با نظام سیاسی و دینی واحد پدید آوردند. در ایران شاه نماینده خدا در زمین بود، اطاعت شاه، اطاعت خدا و نافرمانی شاه، نافرمانی از خدا بود. پادشاه فر ایزدی داشت و همه مملکت ملک شخصی شاه قلمداد می‌شد (رواسانی، ۱۳۷۲، ص ۷۵)، نظام حکومتی مبتنی بر سلسله‌مراتب بود و همه قدرت‌ها به شاه ختم می‌شد (شعبانی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۲). شاه فردی خدازاده و خداگزیده و فرمان او مانند وحی بود (رجایی، ۱۳۷۲، ص ۵۵). ساختار سیاسی، شخصی، بسته، متمرکز و اقتدارگرا بود. این وضعیت با شدت و ضعف تا دوران قاجار ادامه یافت.

## ۲. منبع اسلامی

ورود اسلام، پایه‌های همبسته سیاسی و دینی هویت ایرانی را سست کرد و یکپارچگی آن را بر هم زد. حکومت جهانی اسلام جای حکومت ایرانی را گرفت. ورود اسلام به ایران، سپس گسترش تشیع در زمان صفویه، نظریه سنتی ایرانی را دچار بحران کرد. بحث ولایت فقیه با ورود علمای لبنان به ایران، اولین بار در زمان صفویه مطرح شد (حسینی‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۰۵). عالمان شیعی همواره از اقتداری دفاع می‌کردند که به احیای ارزش‌های دینی و اجرای احکام اسلامی بپردازد. علما و روحانیت، قبل از انقلاب اسلامی با نظریه‌های سیاسی خود، حاکمیت دوگانه شاهان و فقها را بر اساس شرایط تاریخی پذیرفته بودند، اما بعد از انقلاب اسلامی

نقش حوزه انقلابی  
در بازسازی هویت ملی  
(۱۳۷ تا ۱۶۱)

ایران، آنان، جمهوری اسلامی را بر پایه ارزش‌های اسلامی پایه‌گذاری کردند و از هویت اسلامی در ایران دفاع کردند.

### ۳. منبع مدرن و متجدد

اندیشه‌های مدرن از زمان قاجار وارد مرزهای ایران شد و اندیشه‌های سنتی و مذهبی را به چالش طلبید و بر مفاهیمی نظیر فردگرایی، سکولاریسم، آزادی، قانون، دولت مدرن، انتخابات و مانند آن تأکید می‌کرد. بحران هویت ملی ابتدا در دوره مشروطه با ورود اندیشه‌های مدرن خودنمایی کرد. روشنفکران مشروطه در جست‌وجوی مفاهیم مدرن سیاسی مفهوم قدیمی هویت ایرانی را ترسیم کردند تا با به‌کارگیری مفاهیم مدرن غربی از قبیل حقوق شهروندی و حق حاکمیت ملت، تحولی انقلابی در مفهوم ملت، ملیت و هویت ملی پدید آوردند. ایده مدرن غربی بر شهروندان آزاد و حق حاکمیت ملی تأکید می‌کرد که پس از مشروطه از سوی مصدق و بازرگان دنبال شد. نوع دیگری از هویت ایرانی که در زمان حکومت پهلوی شکل گرفت، تلفیق هویت ملی با هویت دینی بود.

در دوران پهلوی مفهوم قدیمی هویت ملی و ایده باستانی قلمرو پادشاهی ایران همراه با پذیرش نمودهایی از تمدن غربی، محور هویت جمعی قرار گرفت. در این دوره تعارض‌های جدی درون جامعه ایرانی برای پذیرش هویت‌های مختلف در برابر مفهوم پادشاهی هویت ملی به وجود آمد.

حکومت پهلوی از ترکیب هویت ایران قبل از اسلام با هویت و فرهنگ غرب جانبداری و حمایت می‌کرد. از این رو، پابندی کمتری نسبت به هویت اسلامی نشان می‌داد و بیش از آنکه در جذب دانش و تکنولوژی غرب بکوشد، در اشاعه ظواهر فرهنگ غرب می‌کوشید. به تدریج، با سنت‌ها و مذهب مقابله کرد اقداماتی مانند وضع قوانین عرفی (غیرشرعی) و تجدید سازمان دستگاه قضا و عدالت‌خانه، ترویج لباس اروپایی، رفع حجاب زنان، مبارزه با نقش روحانیون در جامعه و محدودکردن آنان، ایجاد سازمان‌های آموزشی به شیوه کشورهای اروپایی، تبدیل تاریخ هجری شمسی به تاریخ شاهنشاهی، ایجاد و گسترش مراکز فساد و فحشا و مراکز سرگرمی به شیوه غربی و ده‌ها اقدام دیگر در این زمینه بوده است (آوری، ۱۳۷۷، ص ۲۲).



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

این حکومت نتوانست از ترکیب مشروعیت سنتی و عناصری از مدرنیسم غربی، بحران هویت خود را حل کند.

هویت مدرن غربی خود را در دولت مشروطه، پهلوی اول و دوم و پس از انقلاب اسلامی کم‌وبیش تحمیل کرد و شکافی عمیق در منابع هویت سنتی و مذهبی به وجود آورد. این عامل پس از انقلاب اسلامی ایران هم معضلات فراوان برای هویت اسلامی پدید آورده، و این پرسش را مطرح کرده است که جمهوری اسلامی با منابع متعدد هویت چگونه باید رفتار کند تا مسیری روشن برای حل بحران هویت و رسیدن به توسعه فراهم کند؟ برخی علت ادامه بحران هویت در جامعه ایران را بومی‌نشدن ارزش‌های مدرنیته می‌دانند (رجایی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳)، اما روحانیت انقلابی چه راه حلی را برای تکوین هویت ملی مشترک در فرایند نوسازی پیشنهاد کرده است.

### عوامل ایجاد بحران هویت

همه کشورها در مسیر توسعه، به بحران هویت مبتلا می‌شوند و وجود هویت‌های متعدد و متعارض، کشورها را در رسیدن به اهداف ملی دچار مشکل کرده، و زمینه را برای تنش و درگیری فراهم می‌کند و باعث از خودبیگانگی در مسیر توسعه می‌شود. هویت پدیده‌ای سیال و تغییرپذیر است و در برخورد با عواملی در اثر تعاملات اجتماعی و محیطی، عناصری را از هویت‌های دیگر گزینش می‌کند. در این بخش به برخی عوامل ایجادکننده بحران هویت اشاره می‌شود.

### الف) عوامل داخلی

منظور از عوامل داخلی، عواملی‌اند که به درون حاکمیت مرزهای سرزمینی کشور برمی‌گردد؛ برخی عوامل داخلی موجب بحران هویت می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. افزایش جمعیت: افزایش جمعیت، خود باعث بحران نیست، اما رشد سریع آن در همه کشورها باعث از بین رفتن تعادل اقتصادی - اجتماعی (ساعی، ۱۳۸۹، صص ۱۲۵-۹۳) و در نتیجه ناامنی و بحران هویت می‌شود؛ زیرا روند جامعه‌پذیری سیاسی را با تأخیر مواجه می‌کند. در ایران می‌توان به روند سریع افزایش جمعیت پس از انقلاب اسلامی اشاره کرد.

نقش حوزه انقلابی  
در بازسازی هویت ملی  
(۱۳۷ تا ۱۶۱)

۲. **مهاجرت‌های گسترده:** مهاجرت ممکن است به صورت داخلی یا خارجی باشد که می‌توان به مهاجرت بی‌رویه روستاییان به شهرها، و مهاجرت آوارگان به کشورهای مجاور اشاره کرد (ساعی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۱). این امر باعث ظهور هویت‌های مختلف در شهرها و بروز ناهنجاری‌های رفتاری، به‌ویژه در حوزه سیاسی می‌شود. متأسفانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی مهاجرت روستاییان به شهرها توسعه یافت و آوارگان میلیونی از کشورهای همسایه وارد کشور شدند و این مسئله بحران‌های گوناگونی برای کشور ایجاد کرد.

۳. **فقر و نابرابری:** وجود نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باعث افول هنجارهای اجتماعی و فرهنگی، افزایش بی‌اعتمادی و گسیختگی هنجارهای ملی می‌شود و زمینه را برای ازخودبیگانگی و بحران هویت فراهم می‌کند. انقلاب اسلامی ایران ماهیت ضداستعماری و ضدنظام سلطه جهانی داشت و به‌طور طبیعی دچار جنگ و تحریم‌های شدید شد. از سوی دیگر، معمولاً انقلاب با آرمان‌ها و وعده‌های بلند ظهور می‌یابند. ضعف مدیریت و بحران‌های خارجی باعث بروز نابرابری‌هایی در جامعه شد.

۴. **شکاف نسل‌ها:** ظهور رسانه‌های نوین، گسترش ابزارهای مدرن ارتباطی و فضای مجازی باعث انتقال فرهنگ‌های مختلف در سایه کم‌شدن اقتدار اطلاعاتی دولت و در نتیجه عدم انتقال ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی از نسلی به نسل دیگر می‌شود و هویت‌های متعارض را نمایان و بحران هویت ملی را تشدید می‌کند.

۵. **توسعه نامتوازن:** اگر کشوری از حیث فنی و تکنولوژیک توسعه یابد، اما از حیث فرهنگی و سیاسی به تناسب آن رشد نکند، انتقال میراث فرهنگی به نسل‌های بعدی ناهماهنگ می‌شود، توازن اجتماعی را مختل کرده و بحران هویت ایجاد می‌کند. به همین دلیل کشورهایی که در مسیر نوسازی قرار می‌گیرند دچار بی‌ثباتی، فساد و انقلاب می‌شوند (هانتینگتون<sup>۱</sup>، ۱۳۷۰، ص ۵۶).

عوامل داخلی که باعث بحران هویت می‌شود، گسترده است؛ ولی در اینجا برای نمونه به چند مورد اشاره شد.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

1. Huntington

## ب) عوامل خارجی

همان‌طور که عوامل داخلی باعث بحران در هویت ملی می‌شوند، برخی عوامل خارجی نیز این بحران را تشدید می‌کنند. ورود فرهنگ و اندیشه بیگانه به کشورها، باعث طرح منابع هویتی جدید و چالش در هویت ملی می‌شود. برای نمونه می‌توان به ورود اندیشه تجدید به ایران از زمان قاجار به بعد اشاره کرد که هم برای هویت ایرانی و هم برای هویت اسلامی پس از انقلاب اسلامی بحران هویت ایجاد کرد. نفوذ عناصر فرهنگ غرب از حیث اقتصادی، فرهنگی و سیاسی باعث سست شدن یا به‌چالش‌طلبیدن عناصر هویت ملی ایران شد. ایرانیان در مواجهه با فرهنگ تجدد سه‌گونه رفتار کردند: برخی به کلی آن را پذیرفتند؛ برخی به‌طور مطلق آن‌ها را رد کردند؛ و برخی به‌طور مطلق آن‌ها را پذیرفتند و برخی مانند امام خمینی (ره)، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، به صورت گزینشی با آن برخورد کردند.

از عوامل خارجی می‌توان به گسترش رسانه‌های جمعی، جهانی شدن، تعاملات اجتماعی گسترده، فضای مجازی، اینترنت و تأثیر آن در تغییر سبک زندگی و ایجاد بحران هویت ملی اشاره کرد. از سوی دیگر، ابزارهای نوین ارتباطی و جهانی شدن ممکن است فضایی برای طرح هویت‌های محلی فراهم کند. هویت‌هایی که مورد هجوم هویت‌های فراملی قرار می‌گیرند، باعث حذف یا مغلوب شدن هویت‌های سنتی می‌شوند.

## بحران‌های هویت در ایران

بحران‌های هویت در ایران به شرح زیرند:

در زمان ورود اسلام به ایران بحران هویت در هویت ایرانی ایجاد می‌شود. شاید نهضت‌های شعوبیه در این جهت بوده است. هنگام تأسیس دولت صفوی و رسمی شدن مذهب شیعه، نزاع‌های هویتی از سوی مذاهب دیگر مطرح می‌شود.

در زمان قاجار با ورود اندیشه‌های مدرن غربی، بحران هویت بیشتر شد و این دولت می‌توانست با رسمی کردن زبان فارسی و یکپارچگی‌های گسترده زمینه توسعه ملی را فراهم کرده و بحران هویت ملی را در راستای تکوین دولت مدرن رفع کند، اما چنین کاری انجام نگرفت.

در زمان پهلوی برای رفع بحران هویت ترکیبی از ناسیونالیسم ایران با ظواهر فرهنگ غرب، هویتی جدید و ایدئولوژیک ایجاد کردند که به تدریج باعث غلبه هویت مذهبی شد. دولت پهلوی با مشی ایدئولوژیک سرچشمه نزاع‌های اجتماعی و سیاسی شد.

با ظهور دولت جمهوری اسلامی، هویت مذهبی تشدید شد و عناصر هویت‌های دیگر مورد توجه قرار نگرفت، یعنی دولت جمهوری اسلامی می‌توانست به وجوه مشترک هویت‌های مختلف برای تکوین هویت ملی توجه کند، تا از بحران هویت ملی جلوگیری کند؛ اما چنین کاری انجام نگرفت. در دوران پس از انقلاب به دلیل شور و احساس انقلابی، رهبری کارزماتیک امام خمینی (ره) و ویژگی‌های وحدت‌بخش دوران جنگ، بحران هویت ملی دیرتر و کمتر خودنمایی کرد، اما پس از اتمام جنگ و شروع دوران سازندگی، مجدداً بحران هویت‌های متعدد و متعارض ایرانی، متجدد و اسلامی خود را نمایان کرد و دولت جمهوری اسلامی هنوز نتوانسته است هویت مشترک ملی را با اقناع عمومی در جهت نیل به توسعه ایجاد کند. بیشترین چالش در این زمینه مربوط به نحوه تعامل با هویت منبعث از مدرنیته غربی است زیرا ادعای کارآمدی در بسیاری از کشورهای پیشرفته دارد و از پشتیبانی تبلیغاتی گسترده‌ای در جهان برخوردار است.

### حوزه انقلابی و هویت ملی

با توجه به مباحث یادشده، حوزه انقلابی چه وظایف و مسئولیت‌هایی در موضوع هویت و هویت ملی دارد؟

روحانیت شیعه کارویژه‌های متفاوتی نسبت به روحانیت در سایر ادیان و مذاهب دارد. علت این مسئله به برداشت از نص (قرآن و سنت) برمی‌گردد که بر اساس آن، اسلام دینی سیاسی است و یک انسان مسلمان و از جمله روحانیت، نمی‌تواند نسبت به سیاست بی‌اعتنا باشد و خود را از زندگی سیاسی جدا کند.

اما شیوه تعامل حوزه‌های علمیه با نظام جمهوری اسلامی، یکی از مشکلات نظری و عملی است که راه حل اقناعی برای آن پیشنهاد نشده است. روحانیت و حوزه‌های علمیه، مستقل از دولت قرار گرفته‌اند و به عنوان نهادی مدنی و علمی، مورد توجه قرار می‌گیرند (مطهری، ۱۳۸۵، صص ۱۹۳ و ۲۳۵).

در آثار آیت‌الله مرتضی مطهری نقش هدایتی و نظارتی روحانیت، مورد توجه



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

قرار گرفته، همان‌طور که به فقها هم نقش نظارتی داده است (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۵۶). وی حتی در شرایط مساوی، اولویت را به غیرروحانیون می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۵، ص ۲۳۶). اجتهاد آزاد، اجتهاد فارغ از سلطه سیاسی و اقتصادی و در راستای پویایی‌بخشیدن به فقه، با توجه به مقتضیات زمان و مکان است. بدین دلیل حوزه‌های علمیه در عین استقلال از دولت می‌تواند مسئولیت‌های سیاسی هم داشته باشد و جامعه را به اهداف و رفتارهای مناسب رهنمون کند. از نظر رهبران انقلاب، این نقش سیاسی حوزه‌های علمیه تأیید شده است، اگرچه درباره نحوه و نوع حضور روحانیت در سیاست دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از دیدگاه امام خمینی (ره) حوزه‌های علمیه، وظایف و نقش‌های زیر را بر عهده دارند:

۱. هدایت مردم در تهذیب و تربیت نفس از طریق موعظه و تبلیغ (ترویج اخلاق اسلامی)؛
۲. تأسیس و اداره مدارس علوم دینی و تدریس معارف اسلامی؛
۳. امامت جمعه و جماعت و استفاده از ظرفیت مساجد برای مقاصد اسلام و حکومت اسلامی (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۳۲۸)؛
۴. اجتهاد، افتاء و قضاوت، اجرای حدود، تولیت موقوفات، جمع‌آوری خمس و زکات و دیگر امور حسبیه؛
۵. مبارزه با ظلم و ظالمان (موسوی خمینی، بی‌تا، ص ۳۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۲۰، ص ۳۳۹)؛
۶. ارشاد و هدایت مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف مربوط به امور سیاسی اجتماعی جامعه؛
۷. بیداری مردم برای مقابله با توطئه‌ها، خطرها و تهدیدات مختلف؛
۸. تقویت حس میهن‌دوستی، شهامت و شجاعت؛
۹. حفظ نظام اسلامی، وحدت ملی و ایجاد همبستگی اجتماعی؛
۱۰. حفظ آزادی و استقلال کشور؛
۱۱. نظارت بر صلاحیت مسئولان و دولت‌مردان (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۱۴)؛
۱۲. حمایت از دولت اسلامی به‌ویژه در مواقع ضروری و کمک به حل مشکلات کشور؛

۱۳. ارائه معیارهای دینی در امور مختلف جامعه و مشارکت در تعیین سیاست‌های کلی نظام؛

۱۴. تشخیص عدم مغایرت برنامه‌ریزی‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی با احکام اولیه و ثانویه دینی (موسوی خمینی، ۱۳۸۷، ج ۱۷، ص ۳۳).  
از آنجا که حوزه‌های علمیه و روحانیت علت محدثه و مبقیه انقلاب اسلامی به‌شمار می‌روند، باید برای حفظ نظام از آن دفاع و پشتیبانی کنند، زیرا وقتی بحران هویت ملی حل خواهد شد که افراد در جامعه ایرانی علاقه مند به ایران و نظام جمهوری اسلامی باشند و به نقش دین در دولت سازی باور داشته باشند.  
باتوجه به وظایف حوزه‌های علمیه از نگاه امام (ره)، این نهاد باید، مشکلات نظری و عملی را که نظام اسلامی با آن‌ها مواجه می‌شود، برطرف کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها ترسیم هویت ملی است. امام خمینی (ره) در اولویت‌گذاری مؤلفه‌های هویت‌ساز، بیش از همه، بر اسلام و فرهنگ دینی تأکید کرده است و در بازسازی هویت ملی پس از انقلاب اسلامی، از زاویه دین به این مهم می‌نگرد.

رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای انتظار خود از حوزه انقلابی را به این شرح اعلام می‌کند: «حوزه‌های علمیه باید خود را سربازان نظام بدانند، برای نظام کار کنند، برای نظام دل بسوزانند، در خدمت تقویت نظام حرکت کنند؛ و این درست عکس آن چیزی است که سیاست سرویس‌های امنیتی انگلیس، آمریکا، اسرائیل و دیگران دنبال می‌کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند بلکه بتوانند یک منفذی پیدا کنند ... برای اینکه فاصله بین نظام و روحانیت را برجسته کنند؛ القا کنند که چنین فاصله‌ای وجود دارد. بنابراین، حوزه‌های علمیه نمی‌توانند سکولار باشند. اینکه ما به مسائل نظام کار نداریم، به مسائل حکومت کار نداریم، این سکولاریسم است». ایشان ضمن برشمردن امکانات و فرصت‌هایی که نظام اسلامی در اختیار حوزه‌ها و روحانیت قرار داد در فرازی دیگر از سخنان خود می‌گوید: «آنچه که لازم است عرض بکنم - که از همه این مطالب مهم‌تر است - نسبت حوزه‌های علمیه است با انقلاب و نظام اسلامی است. هیچ‌کس در عالم روحانیت، اگر انصاف خود را میزان قرار بدهد، نمی‌تواند خودش را از نظام اسلامی جدا بگیرد» (سخنرانی در دیدار طلاب، فضلا و استادان حوزه علمیه قم، ۸۹/۷/۲۹).

ایشان همچنین، در تبیین رابطه نظام و روحانیت می‌گوید: «نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه‌های علمیه با نظام



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶



اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است ... حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح ... نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست (سخنرانی در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۹/۷/۲۹).

از دیدگاه رهبر انقلاب اسلامی حوزه انقلابی حوزه‌ای است روزآمد و با قابلیت هویت‌سازی و چالش‌آفرینی در برابر هویت‌های رقیب و معارض. با بررسی اندیشه‌های مقام معظم رهبری پیرامون همگرایی ملی و نقش دین اسلام و حکومت مردم سالار در هویت ملی ایران، اسلام به عنوان یک عامل هویت‌ساز اصلی در جامعه ایرانی مطرح است. اسلامی کردن هویت ملی به آن است که روح جامعه، باورها و افکار، اسلامی شود که در اینجا نسبت میان هویت اسلامی و حوزه انقلابی روشن می‌شود. حوزه‌های علمیه در فضای متکثر جامعه، باید بتواند از هویت اصیل اسلامی انقلاب در ترسیم هویت ملی دفاع کند و آن، همان هویت اسلامی است و این رسالت، تنها از حوزه‌های علمیه انقلابی ممکن است زیرا حوزه‌های علمیه آغازگر و تداوم‌دهنده انقلاب بوده است. در غیر این صورت، هویت‌های معارض با هژمونی تبلیغاتی گوی سبقت را خواهند ربود. تدوین هویت ملی مشترک از قدم‌های اولیه برای توسعه ایرانی و اسلامی است و بیشترین نقش در این زمینه را روحانیت انقلابی دارد.

### مشکلات عملی

مسائل متعدد و متنوعی در سایه حل‌نشدن نظری هویت ملی و فقدان اجماع نظری در این زمینه در حوزه عملی می‌توان مطرح کرد که باعث شده است، جامعه در بلا تکلیفی عظیمی بماند و نداند که دیدگاه اسلام از طریق روحانیت انقلابی چیست و درباره آن‌ها اختلافات شدید وجود دارد. برخی مشکلات عملی در حوزه سیاسی عبارت‌اند از امکان قانون‌گذاری انسان، جایگاه مجلس، احزاب و جامعه مدنی، ماهیت انتخابات و رأی مردم در حکومت اسلامی، اعتبار رأی اکثریت، دموکراسی و جمهوریت، رابطه دین و عقل، و همین‌طور دین و علم، جمع‌بودن یا فردی‌بودن حکومت در اسلام، رابطه دین و آزادی، رابطه حاکم اسلامی با شوراها، رابطه دین با نهادهای جدید سیاسی مانند احزاب و جامعه مدنی، گروه‌های

نقش حوزه انقلابی  
در بازسازی هویت ملی  
(۱۳۷ تا ۱۶۱)

فشار و نظایر آن، بهره‌گیری از نهادهای مدرن و محاکم عرفی در قضاوت، سازوکار به‌کارگیری ضرورت و مصلحت در حکومت اسلامی، تفکیک حوزه عمومی از حوزه خصوصی، شکل حکومت در اسلام و ده‌ها موضوع کلی و جزئی دیگر. با استقرار نظام جمهوری در ایران، بسیاری از نهادها و مفاهیم مدرن مانند مشارکت، انتخابات، مجلس، تفکیک قوا و غیره برای اولین بار تجربه شد.

در اینجا برای تقریر مشکلات عینی در امور سیاسی، به برخی اختلاف دیدگاه‌ها بیان می‌کند. در مسائل هویت ملی از حیث سیاسی، آیا رأی مردم در مشروعیت حکومت مدخلیت دارد (خاتمی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۵)، یا رأی مردم، در مشروعیت حکومت، تأثیری ندارد و تنها باعث کارآمدی حکومت می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۳۲)؛ آیا مسئولان نظام باید از طریق انتخابات برگزیده شوند (خاتمی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۴)، یا انتخابات در نظام اسلامی پذیرفتنی نیست (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۵)؛ آیا مبنای انتخاب حاکمان بر اساس رأی اکثریت است (ایازی<sup>۱</sup>، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۷-۵)، یا رأی اکثریت در جمهوری اسلامی اعتبار ندارد (یزدی، ۱۳۸۸، ص ۱)؛ آیا حزب، اگرچه محصول تجدد است، اما در جامعه اسلامی می‌تواند شکل بگیرد (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۱۷)، یا حزب یک پدیده غربی است و در جمهوری اسلامی صرفاً باید هیئت‌های مذهبی فعالیت کنند (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، صص ۲۲۵-۲۲۴)؛ آیا اختلاف نظر از طریق جامعه مدنی نوعی اختلاف سلیقه و امری تکوینی است (خاتمی، ۱۳۸۰، ص ۴۳)، یا جامعه مدنی باعث تفرقه می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۵۴)؛ آیا ولی فقیه می‌تواند، خود، رئیس جمهور و رئیس مجلس و سایر مسئولان را انتخاب کند (مؤمن قمی، ۱۳۸۶، ص ۵۱۵)، یا او هم، باید ملتزم به انتخاب مردمی باشد (سایت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۲۵)؛ آیا دموکراسی با حاکمیت الهی مطابقت دارد (بهشتی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۳۳۰)، یا دموکراسی پدیده‌ای غربی و مورد پذیرش اسلام نیست (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۴۵)؛ آیا جمهوری، حکومتی است که در آن، آرای مردم نقش اساسی و بنیادی دارد (بهشتی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۴۰۰)، یا جمهوریت، صرفاً به معنای میثاق توده‌های مردم با ولایت است (جوادی آملی، ۱۳۶۸،



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

1. Ayazi

صص ۱۷۳-۱۷۲)؛ و موضوعات اختلافی دیگر، به این مسئله برمی‌گردد که آیا در بازسازی هویت ملی صرفاً به اندیشه اسلامی توجه شود یا می‌توان از دستاوردهای هویت‌های دیگر هم در ترسیم هویت ملی بهره گرفت. شبیه اینگونه مسائل اختلافی درباره هویت می‌توان در مباحث فرهنگی مانند سینما، کنسرت و...، همچنین، در مباحث اقتصادی مانند بانک، بیمه و... هم مطرح کرد. در این موضوعات و ده‌ها موضوع دیگر بین روحانیت انقلابی، اختلافات مهم درباره مشروعیت بسیاری از مفاهیم و نهادهای برآمده از تجربه بشری یا تجدد به‌وجود آمده است و می‌طلبد مباحث انتقادی در فضای آزاد مطرح شده و مسائل عملی، حل شود. از نظر رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، حوزه علمیه نتوانسته است توقعات جامعه را در مسائل نظری انقلاب اسلامی برآورده کند (مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱، ص ۹) و روحانیت باید در همه عرصه‌های مرتبط با نظام اسلامی حضور داشته باشد (مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۱، ص ۲۴۱).

## راه‌حل

راه رسیدن به توسعه، رفع بحران‌های مسیر توسعه است؛ یعنی اگر کشوری بحران هویت ملی را حل نکند، در فرایند توسعه دچار مشکل می‌شود، به‌ویژه زمانی که دارای تراکم بحران‌ها شود. ولی این مقاله فعلاً بر بحران هویت ملی تمرکز می‌کند.

به نظر می‌رسد اگر هویت امری ثابت، متصلب و بسیط در نظر گرفته شود در آن صورت بحران هویت به نحو بارزی مطرح می‌شود؛ اما اگر هویت را سیال، چندوجهی و مرکب در نظر گرفته شود، هر هویت ملی، می‌تواند عناصر جدید را از هویت‌های دیگر جذب کرده و هویت مرکبی را ایجاد کند؛ به‌طوری که نحوه ترکیب به صورتی باشد که هویت ملی را دچار بحران نکند. یک شیوه، آن است که روحانیون و نخبگان جامعه وجوه مشترک هویت‌های مختلف را ترکیب کنند، یا عناصر پویا و سازگار هویت‌های دیگر را جذب و گزینش کنند. پس می‌توان ترکیبی از تمدن اسلامی، ایرانی و متجدد را که باهم سازگاری دارند، به صورت آگاهانه و با گفت‌وگوی اقناعی آزاد گزینش کرده و راه را برای تکوین دولت مدرن هموار کرد.

تجربه تاریخی نشان داده است در اکثر کشورها، هیچگاه هویت بسیط و ثابتی نبوده است. حتی در ایران باستان هم ترکیبی از عناصر هویت‌های سومری، بابلی، یونانی، هندی، رومی و نظایر آن بوده است و ترکیب عناصر هویت‌های متفاوت، گسستی را در هویت ملی ایجاد نکرده است. همواره عوامل داخلی و خارجی ممکن است در یک هویت ملی تأثیر بگذارد. از سوی دیگر، توسعه، روندی روبه‌رشد است و بحران هویت برای کشورهای توسعه‌یافته نیز ممکن است رخ دهد. امروزه در کشورهای اروپایی، از نفوذ فرهنگ امریکایی سخن می‌گویند و از آن اجتناب می‌کنند. پس هویت‌ها همواره در حال تغییر هستند و باید سازوکارهایی ایجاد کرد که این ترکیب مناسب بوده و هویت ملی را دچار بحران نکند.

راه حل آن، نداشتن برخورد حذفی با هویت‌های دیگر، ترویج روحیه مدارا و همزیستی، نهادینه کردن گرایش‌ها و گروه‌های مختلف و ایجاد فضای دموکراتیک از طریق گفت‌وگوی آزاد شهروندان است. حوزه‌های علمیه هم باید برای ترسیم الگوی اسلامی - ایرانی هویت در فضای آزاد استدلال برتر را بیان کند و بتواند آن را به اقناع عمومی برسانند. دموکراسی هیچوقت نمی‌تواند به‌طور کلی همه تعارض‌های هویتی را رفع کند، ولی نزاع‌های هویتی را فعال نمی‌کند و فضایی فراهم می‌کند تا اقلیت هم بتواند به اکثریت تبدیل شود. قهراً در جامعه مسلمان، مردم به‌طور خودجوش به ارزش‌های اسلامی گرایش دارند و آن را انتخاب می‌کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی، عناصر هویت‌های مختلف را در کنار هم ترکیب کرده است. در ایران سه راه پیش‌روی حوزه‌های علمیه وجود دارد، که عبارت‌اند از:

۱. پذیرش مطلق ارزش‌های هویتی متجدد؛

۲. رد مطلق ارزش‌های هویتی متجدد؛

۳. برخورد آگاهانه و آگاهانه با آن.

راه حل اول به‌کلی، باعث بی‌هویتی جامعه از ارزش‌های والای هویت ایرانی و اسلامی می‌شود. راه حل دوم، باعث رفتار متصلبانه و در نتیجه دورماندن از عناصر پویای فرهنگ مدرن و تجربه تاریخی انسان در تکوین دولت مدرن می‌شود. بهترین راه حل، برخورد آگاهانه و گزینشی با دستاوردهای عقلی و تجربه بشری در اداره جامعه است. تکیه بر عناصر مشترک و گزینش آگاهانه عناصر مترقی و سازنده تمدن‌های دیگر، در فرایندی آزاد و دموکراتیک میسر می‌شود. حوزه انقلابی یعنی



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶

حوزه‌ای که انتظارات امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری را در بازسازی هویت ملی در مسیر الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی برآورده کند و چنین کاری هنوز انجام نگرفته است.

## نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه نتایج بحث مقاله حاضر به شرح زیر است.

۱. گذر از بحران هویت، مقدمه‌ای برای نیل به توسعه در کشورهای مختلف است. ترسیم هویت ملی در جمهوری اسلامی ایران با توجه به وجود منابع متعدد ایرانی، اسلامی و مدرن مشکل است.

۲. از آنجا که پس از انقلاب اسلامی، این موضوع مهم، در حوزه نظری از سوی حاملان انقلاب، به‌ویژه حوزه‌های علمیه حل نشده است، باعث ایجاد بحران‌ها و تعارضاتی در صحنه عملی شده است. روحانیت انقلابی، طبق نظر رهبران انقلاب، وظیفه دارد مشکلات نظری و عملی نظام اسلامی را مرتفع کند. این امر با توجه به حضور حامیان هویت‌های دیگر مانند ناسیونالیسم ایران باستان و هویت متجدد مدرن مشکل‌تر است، اما حوزه انقلابی که علت فاعلی انقلاب بود باید بتواند بحران‌های فراروی توسعه کشور را حل کند. عدم حل بحران هویت ملی باعث می‌شود، میان وفاداری‌های قومی و تعهدات ملی تعارض ایجاد شود، همبستگی جامعه را دچار اختلال کند و زمینه از خودبیگانگی افراد را فراهم کند.

۳. روحانیت انقلابی یعنی روحانیتی که نسبت به خلأهای فکری نظام اسلامی، احساس مسئولیت کند. روحانیت باید با برپاداشتن نظامی از ارزش‌ها، نقش‌ها و احساس مشترک، جامعه را به سوی تأسیس ملت پیش برد و این، در سایه مهارت نخبگان انقلابی در مشروعیت‌بخشیدن به ارزش‌های مشترک از قبیل تاریخ، مذهب، آداب و رسوم، سرزمین، ادبیات و زبان است. کم‌کم ارزش‌های سنتی و قومی رو به زوال می‌رود و روحانیت انقلابی باید بتواند ارزش‌های مشترک جدید را بر اساس ارزش‌های اسلامی ایجاد کند، این امر در فضای متکثر و آزاد انجام می‌شود. از آنجا که انقلاب اسلامی مطابق با ارزش‌های دینی و از سوی روحانیت شکل گرفته است، روحانیت باید هویت ملی بر اساس ارزش‌های انقلاب اسلامی تدوین کند.

۴. ترویج هویت ملی ایران باستان در دوره پهلوی اول و دوم و سپس، هجده گسترده هویت مدرن و متجدد در فضای انفجار اطلاعات، جهانی‌شدن و فضای

مجازی و اجتماعی، وظیفه روحانیت را سخت‌تر کرده است. روحانیت انقلابی بر محور آموزه‌های نص (قرآن و احادیث) که بر تلائم دین و سیاست حکایت می‌کند باید بتواند معضلات و چالش‌های فراروی انقلاب را حل کند. در اینجا به چند نکته به عنوان دستاوردهای این مقاله اشاره می‌شود:

۵. طبق نظر امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (دام ظلّه) روحانیت باید در عین استقلال از دولت، نسبت به نظام اسلامی بی‌اعتنا نباشد و با اجتهاد آزاد و با توجه به مقتضیات زمان و مکان بتواند نظام و جامعه اسلامی را به اهداف خود رهنمون کند.

۶. وضعیت مطلوب آن است که روحانیت انقلابی، به عنوان علت محدثه و مبقیه انقلاب، طبق انتظارات رهبران آن، از آرمان‌های اسلام، تشیع و نظام اسلامی در برابر هجوم تبلیغاتی غرب و شرق دفاع کرده و با ترسیم هویت اسلامی ایرانی در برابر هویت‌های رقیب، هویت‌های دیگر را به چالش کشیده و در موضع دفاعی قرار دهد.

۷. ترسیم هویت ملی اسلامی ایرانی تنها از روحانیت انقلابی انتظار می‌رود زیرا آنان آغازگر و تداوم دهنده انقلاب اسلامی‌اند و باید موارد مسئله‌خیز و بحران‌های حکومتی را رفع کنند.

۸. با توجه به مشکلات نظری و عملی درباره هویت ملی که در این مقاله اشاره شد، روحانیت در ایفای این نقش مهم، بطور کامل موفق نبوده است. این عدم موفقیت در بیانات رهبر معظم انقلاب هم مشهود است.

۹. عدم موفقیت روحانیت در بحث هویت، باعث بروز چالش‌های نظری و عملی هویتی در جامعه و گرایش افراد و به‌ویژه جوانان به عناصر و نمادهای هویت‌های رقیب شده است.

۱۰. راه حل پیشنهادی این مقاله آن بود که هویت امری ثابت، بسیط و متصلب نیست، بلکه امری سیال، مرکب و چندوجهی است. در این صورت می‌توان برخی عناصر هویت‌های دیگر را که تعارض با عقل و آموزه‌های دینی ندارند، جذب کرد. وظیفه روحانیت آن است که ترکیبی از عناصر هویت‌های مختلف را به صورت آگاهانه جذب و راه را برای تکوین دولت مدرن هموار کند.

۱۱. روحانیت انقلابی همواره باید از فضای آزاد و دموکراتیک استقبال کرده و در چنین فضایی، گفت‌وگوهای اقناعی را با استدلال برتر و برای ارائه الگوی



اسلامی ایرانی هویت ملی بیان کند تا زمینه پذیرش عمومی را فراهم کند و به اجماع عمومی مشترک برساند.

۱۲. فضای آزاد و دموکراتیک نمی‌تواند همه تعارضات هویتی را برطرف کند، اما دموکراسی، نزاع‌های هویتی را فعال نمی‌کند، در این صورت اقلیت هم می‌تواند با استدلال برتر به اکثریت تبدیل شود.

۱۳. روحانیت باید نسبت به عناصر و نمادهای هویت‌های دیگر به صورت گزینشی رفتار کرده و از برخوردهای حذفی و طرد مطلق عناصر هویت‌های دیگر بپرهیزد. یعنی از طریق زبان و گفت‌وگوی آزاد برای استدلال‌های خود باورهای مشترک و توافق اجماعی و اقناعی ایجاد کند.

## منابع

- آرنت، هانا (۱۳۶۳). *توتالیتاریسم*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات جاویدان.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲). *هویت ایرانی. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو*، شماره ۳.
- آوری، پیتر (۱۳۷۷). *تاریخ معاصر ایران*. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: مؤسسه مصبوعاتی عطائی.
- ایازی، علی محمد (۱۳۸۵). *موانع نظری اندیشه جمهوریت در فرهنگ دینی در مردم‌سالاری*. تهران: عروج.
- بدیع، برتران (۱۳۷۶). *توسعه سیاسی*. ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: قومس.
- برهانی، جعفر (۱۳۸۷). *روحانیت و حکومت: جایگاه روحانیت در اندیشه سیاسی امام خمینی*. جلد اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بهشتی، سید محمدحسین (۱۳۶۴). *مشروح مذاکرات مجلس نهایی قانون اساسی ج.ا.ا..* جلد اول، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۸). *پیرامون وحی و رهبری*. قم: اسراء.
- خاتمی، محمد (۱۳۷۸). *احیاگر حقیقت دین*. گردآورنده امیررضا ستوده، تهران: ذکر.
- خاتمی، محمد (۱۳۸۰). *مردم‌سالاری*. تهران: طرح نو.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹). *درباره غرب*. تهران: هرمس.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۷۲). *تحول اندیشه سیاسی در شرق باستان*. تهران: قومس.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲). *مشکله هویت ایرانیان امروز، ایفای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ*. تهران: نشر نی.
- رواسانی، شاپور (۱۳۷۲). *دولت و حکومت در ایران*. تهران: نشر سمع.
- ساعی، احمد (۱۳۸۹). *مسائل سیاسی اقتصادی جهان سوم*. تهران: سمت.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۵). *نوسازی و دگرگونی سیاسی*. تهران: قومس.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۱). *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*. چاپ دوم، تهران: قومس.
- الطایی، علی (۱۳۷۸). *بحران هویت قومی در ایران*. تهران: شادگان.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۷). *بنیادهای علم سیاست*. تهران: نشر نی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱). *توسعه سیاسی و تحول اداری*. تهران: نشر قومس.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره چهاردهم  
زمستان ۱۳۹۶



- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۶). *الولایه الالهیه الاسلامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- مرکز مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۷۱). *نشریه پیام حوزه*، شماره ۱.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۰). *آذرخشی دیگر از آسمان کربلا*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۸). *نظریه سیاسی اسلام*. جلد دوم، قم: مؤسسه امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷). *حقوق و سیاست در قرآن*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). *سیری در نهج البلاغه*. چاپ هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *آینده انقلاب اسلامی ایران*. تهران: انتشارات صدرا.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). *ولایت فقیه*. قم: انتشارات آزادی.
- نجفی، موسی (۱۳۹۲). *هویت شناسی*. تهران: آرما.
- نقیبزاده، احمد (۱۳۸۰). *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی*. تهران: سمت.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). *سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم.
- یزدی، محمد (۱۳۸۸). *روزنامه فرهیختگان*، ۱۶ آذر ۱۳۸۸، شماره ۸۹۸.